



University of Tabriz

Contemporary Comparative Legal Studies

Online ISSN: 2821-0514

Volume: 15 Issue: 37

Winter 2025

Article Type: Research Article

Pages: 227-250

Reflecting “The Abuse of Process Doctrine” in the Statutes of Dispute Settlement Bodies

Hassan Savari¹ | Fatemeh Asadian²

1. Associate Professor, Department of International Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
(Corresponding Author) savari@modares.ac.ir

2. Master's student in International Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
f.asadian@modares.ac.ir

Abstract

The abuse of process doctrine is an ambiguous concept that the statutes of none of the international dispute settlement bodies have not defined or stated a standard to prove it, only a few of these bodies have specified that it can be applied in their proceedings. However, these bodies have a cautious approach to dealing with this doctrine despite having an explicit provision. However, the European Court of Human Rights, in dealing with the doctrine of abuse of process has tried to explain it more fully than other international dispute settlement bodies. Even though the most cited reference of these bodies in dealing with this doctrine is the statute of the International Court of Justice in its issued judgments, the Court itself does not have an explicit provision in this regard. Therefore, with a descriptive method and by examining various statutes and regulations, especially the practical guide of the European Court of Human Rights, which is not binding, we seek to know as much as possible the concept of the doctrine of abuse of process and the criteria for its application and implementation in dispute settlement bodies.

Keywords: Abuse of Rights Doctrine, Abuse of Process Doctrine, International Court of Justice, European Court of Human Rights, International Tribunal for the Law of the sea.

Received: 2024/01/17

Received in revised form: 2024/08/31

Accepted: 2024/09/17

Published: 2024/12/25

DOI: 10.22034/LAW.2025.60127.3359

Publisher: University of Tabriz

law@tabrizu.ac.ir



انعکاس «دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی» در اسناد مؤسسی نهادهای حل و فصل اختلاف بین‌المللی

حسن سواری^۱ | فاطمه اسدیان^۲

savari@modares.ac.ir

۱. دانشیار گروه حقوق بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران (نویسنده مسئول)

f.asadian@modares.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران

چکیده

دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی، مفهومی پر از ابهام است که اسناد مؤسس هیچ‌یک از نهادهای حل و فصل اختلاف بین‌المللی تعریفی از آن و یا معیاری برای اثباتش بیان نکرده‌اند؛ تنها تعدادی از این نهادها به قابلیت اعمال آن در رسیدگی‌های خود تصریح کرده‌اند. اما این نهادها با وجود داشتن مقررۀ صریح نیز رویکرد احتیاط‌آمیزی در برخورد با این دکترین دارند. با این حال، دیوان اروپایی حقوق بشر در برخورد با دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی تلاش کرده است تا به‌طور کامل‌تری نسبت به سایر نهادهای حل و فصل اختلاف بین‌المللی آن را تبیین کند. با اینکه مرجع و منبع مورد استناد این نهادها در برخورد با این دکترین بیانات دیوان بین‌المللی دادگستری در آرای صادره‌اش است، اما خود دیوان مقررۀ صریحی در این باره ندارد. از این رو نگارندگان این مقاله با روش توصیفی و با بررسی مقررات و اسناد مؤسس گوناگون، به‌خصوص راهنمای عملی دیوان اروپایی حقوق بشر که البته الزام‌آور نیست، به‌دنبال شناخت هرچه بیشتر مفهوم دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی و معیارهای اعمال و اجرای آن در نهادهای حل و فصل اختلاف هستند.

واژگان کلیدی: دکترین سوءاستفاده از حق، دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی، دیوان اروپایی حقوق بشر، دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵

DOI: 10.22034/LAW.2025.60127.3359

law@tabrizu.ac.ir

ناشر: دانشگاه تبریز

مقدمه

دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی^۱، مفهومی است که از حقوق داخلی به حقوق بین‌الملل راه یافته و امروزه در بسیاری از نهادهای حل‌وفصل اختلاف بین‌المللی مورد ادعا قرار گرفته است. همین موضوع سبب شده است که در ادبیات حقوقی هم بیش از پیش مورد توجه قرار بگیرد. ادبیات حقوقی فارسی نیز هماهنگ با سایرین تلاش می‌کند تا همراه با افزایش طرح این دکترین در حقوق بین‌الملل در جهت شناخت این مفهوم و معرفی آن گام بردارد. همچنین، این موضوع با طرح ایراد دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی در چند اختلاف بین‌المللی که ایران یکی از طرفین آن اختلافات به‌خصوص در دیوان بین‌المللی دادگستری بوده، شدت نیز یافته است. اما این موضوع قابل ذکر است که چه در ادبیات حقوقی انگلیسی و زبان‌های دیگر و چه در ادبیات فارسی اغلب توجهات در مورد دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی بر نهادهای داوری سرمایه‌گذاری متمرکز است و به طرح موضوع در نهادهای دیگر توجه کمتری می‌شود که البته این می‌تواند نتیجه توجه بیشتر نهادهای داوری سرمایه‌گذاری و اعمال بیشتر این دکترین در این نهادها باشد. در این راستا نگارندگان این نوشتار تلاش خواهند کرد با شناسایی مقررات پیرامون دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی در اسناد مؤسس، به تعدادی از نهادهای حل‌وفصل اختلاف قضایی و شبه قضایی و داوری بپردازند و در کنار آن با نمونه آوردن از برخی اختلافات مطروحه در این نهادها که طرح ایراد سوءاستفاده از فرایند دادرسی در آنها وجود دارد، رویه عملی این نهادها را نیز تاحدودی به مخاطب نشان دهند و این موضوعی است که در ادبیات فارسی کمتر به آن توجه شده است.

در مواجهه با این دکترین، نهادهای حل‌وفصل اختلاف بین‌المللی را از یک جهت می‌توانیم به دو دسته تقسیم کنیم: دسته اول، نهادهایی که دارای مقرره صریحی درباره قابلیت اعمال دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی در رسیدگی‌های خود هستند؛ همچون دیوان بین‌المللی حقوق دریاها^۲ و دیوان اروپایی حقوق بشر^۳ یا حتی نهاد شبه قضایی کمیته حقوق بشر ملل متحد^۴.

1. Abuse of Process Doctrine

2. International Tribunal for the Law of Sea

3. European Court of Human Rights

4. United Nation Human Rights Committee

دسته دوم، نهادهای حل و فصل اختلافی که مقررۀ صریحی در خصوص اعمال و اجرای این دکترین در فرایندهای خود ندارند؛ مانند دیوان بین‌المللی دادگستری^۵ و مرکز حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری (ایکسید)^۶. با وجود این، فقدان مقررۀ صریح مانع از اعمال و کاربرد این دکترین در رسیدگی‌های این نهادها نبوده و طرح ایرادات و ادعاهای سوءاستفاده از فرایند دادرسی در گروه دوم هم بسیار دیده شده و حتی روند افزایشی داشته است.

اما نهادهای حل و فصل اختلاف که دارای تصریح هستند از این مزیت برخوردارند که راه استفاده از دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی را برای طرفین اختلافی که به آنان مراجعه می‌کنند تاحدودی روشن ساخته، به این ترتیب امکان طرح ادعاهای بیهوده از سوی طرفین اختلاف را کاهش می‌دهند. در این راستا آشنایی با رویۀ نهادهای حل و فصل اختلاف قضایی و شبه قضایی در مورد سوءاستفاده از فرایند دادرسی و مشاهده چگونگی عملکرد و برخورد آنان با این دکترین می‌تواند موجب شناخت هرچه بیشتر خود مفهوم دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی - که ابهامات زیادی پیرامون آن وجود دارد - هم بشود. در میان این گروه از نهادها می‌توان گفت رویکرد دیوان اروپایی حقوق بشر نسبت به موضوع از سایرین کامل‌تر است. این مرجع حل و فصل اختلافات برای تعریف مفهوم سوءاستفاده از فرایند دادرسی و حتی بیان معیارها یا شاید ترفندهای سوءاستفاده، تلاش بیشتری کرده است.

در این نوشتار ابتدا به برخی از مفاهیمی که آشنایی با آنان در موضوع دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی دارای اهمیت است پرداخته می‌شود و سپس به سراغ چند نهاد حل و فصل اختلاف قضایی یا شبه قضایی و مقررات آنها پیرامون اعمال دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی رفته، توجه بیشتری در این بین به دیوان اروپایی حقوق بشر خواهیم داشت و معیارها و نکات مورد تأکید در رویکرد این نهاد را بازبینی خواهیم کرد.

۱. معرفی دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی

دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی، مفهومی است پرابهام که از حقوق داخلی به حقوق

5. International Court of Justice

6. International Centre for Settlement of Investment Disputes

بین الملل نیز راه پیدا کرده است. «حق دادخواهی به عنوان یکی از حقوق مهم شهروندی تا زمانی محترم است که از آن سوء استفاده نشود».^۷ سوءاستفاده از فرایند دادرسی «شامل استفاده از ابزارهای دادرسی برای اهدافی مغایر با مواردی که حقوق دادرسی برای آن به وجود آمده می شود. تقلب و فریب، ایجاد تعلل بی فایده، ایجاد ضرر، به دست آوردن یک مزیت نامشروع، کاهش یا از بین بردن اثر دیگر فرایندهای موجود با اهداف صرفاً تبلیغاتی اهدافی هستند که در دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی نهفته اند».^۸

منع سوءاستفاده از حق و اصل حسن نیت دو مبنای حقوقی دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی هستند. «سوءاستفاده از حق هم به عنوان دکترین که بیانگر عقیده حقوقدانان است و هم به عنوان اصل کلی حقوقی و منبع اصلی حقوق بین الملل، مورد توجه بوده است».^۹ در حقوق بین الملل سوءاستفاده از حق زمانی روی می دهد که یک دولت حق خود را به گونه ای اعمال کند که مانع برخورداری سایر دولت ها از حقوق خود شود و یا برای هدفی متفاوت از آنچه که حق برای آن ایجاد شده به منظور ضرر به دولت دیگر مورد استفاده قرار دهد. دیوان بین المللی دادگستری در خصوص دو مفهوم سوءاستفاده از حق و سوءاستفاده از فرایند دادرسی می گوید: «اگرچه مفهوم پایه سوءاستفاده در هر دو ممکن است مشابه باشد اما نتایج سوءاستفاده از حق و سوءاستفاده از فرایند دادرسی ممکن است متفاوت باشند»^{۱۰}؛ یعنی دیوان وجود شباهت و ارتباط میان آنها را می پذیرد اما در عین حال، یادآور تفاوت های موجود میان سوءاستفاده از حق در کل و سوءاستفاده از فرایند دادرسی به طور خاص می شود.

مبنای حقوقی دیگر دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی، اصل حسن نیت است. این اصل که هر حق دادرسی قضایی باید بر اساس حسن نیت اجرا شود، پایه سوءاستفاده از فرایند دادرسی در حقوق بین الملل عمومی است. یکی از مظاهر ارتباط اصل حسن نیت و دکترین سوءاستفاده از

۷. زهرا اکرمی و همکاران، «موانع و حیل های دادرسی در اجرای ارادی محکومیت های مالی با تأکید بر نظریه سوءاستفاده از حق و رویه قضایی»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۳۲ (۱۴۰۲)، ص ۳۷.

۸. عباسعلی کدخدایی و محمدرضا محمدی، «سوءاستفاده از حق و فرایند در پرتو رویه دیوان بین المللی دادگستری»، *حقوق عمومی*، ش ۴ (۱۴۰۲)، ص ۸.

۹. همان، ص ۶.

10. Immunities and Criminal Proceedings (Equatorial Guinea v. France) Preliminary Objections, Judgment of 6 June 2018, I.C.J., Reports 2018, Para 146.

حق در ماده ۳۰۰ کنوانسیون بین‌المللی حقوق دریاها ۱۹۸۲ است که مقرر می‌کند: «کشورهای عضو وظایف تعهدشده را به موجب این کنوانسیون با حسن‌نیت اجرا خواهند کرد و حقوق، صلاحیت و آزادی‌های به رسمیت شناخته شده در این کنوانسیون را به نحوی اعمال خواهند کرد که سوءاستفاده از حق نباشد». «نتیجه آن که دولتی که با حسن‌نیت عمل می‌کند بعید است که از حقوق خود سوءاستفاده کند»^{۱۱}. پس نقش حسن‌نیت در حقوق بین‌الملل یک «نقش تحدید حدود»^{۱۲} است که رعایت آن اجرای حقوق و تکالیف دولت‌ها را در عرصه بین‌الملل محدود می‌کند.

دیوان بین‌المللی دادگستری، دکنترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی را ایراد به قابلیت پذیرش دعوا ارزیابی می‌کند و این در حالی است که در دیوان داوری ایکسید این ایراد گاهی به عنوان یک ایراد صلاحیتی ارزیابی شده است. درباره تفاوت میان این دو مفهوم می‌توان گفت که مفاهیم صلاحیت^{۱۳} و قابلیت پذیرش یا استماع دعوا^{۱۴} با یکدیگر متفاوت هستند. این تفاوت هرچند ممکن است یک موضوع تئوریکال به نظر برسد، اما نتایج مهمی در پی دارد^{۱۵}.

صلاحیت به معنای اختیار قانونی دادگاه برای قضاوت کردن است و سه نوع عمده آن در رسیدگی‌های دیوان بین‌المللی دادگستری مورد بررسی قرار می‌گیرد: صلاحیت شخصی، صلاحیت موضوعی، و صلاحیت زمانی. در صورتی که هر کدام از این صلاحیت‌ها مورد ایراد قرار گیرد و به موجب رأی دیوان پذیرفته شود، از جهات صدور رأی عدم صلاحیت به شمار می‌رود.

اما برای رسیدگی به یک دعوا، علاوه بر الزامات صلاحیتی، شرایط دیگری هم باید فراهم باشد. تمایز میان صلاحیت و قابلیت پذیرش همیشه شفاف نیست، ولی نتایج قانونی اعمال آنها متفاوت است^{۱۶}. در رسیدگی‌های دیوان بین‌المللی دادگستری اصولاً ابتدا به مسئله صلاحیت

۱۱. حمید الهویی نظری و عقیل محمدی، «تحلیل ابعاد اصل حسن‌نیت در حقوق بین‌الملل در پرتو رویه قضایی»، *حقوقی بین‌المللی*، ش ۵۳ (۱۳۹۴)، ص ۱۱۴.

۱۲. همان، ص ۱۲۰.

13. Jurisdiction

14. Admissibility

15. Eric De Brabandere, "Good Faith, Abuse of Process and the Initiation of Investment Treaty Claims", *Journal of International Dispute Settlement*, No. 3, (2012), p. 9.

۱۶. عباس برزگرزاده، «اعمال ماده ۷۹ آیین‌نامه دیوان بین‌المللی دادگستری در رویه قضایی»، *پژوهش‌های حقوقی*، ش ۴۸ (۱۴۰۰)، ص

رسیدگی می‌شود. یکی از نتایج مهم تفکیک میان صلاحیت و قابلیت پذیرش این است که اگر نسبت به مسئله صلاحیت و فقدان آن تصمیم‌گیری شود، دیگر به مسئله قابلیت پذیرش پرداخته نمی‌شود. اگر یک ایراد صلاحیتی احراز شود، موضوع و پرونده را برای همیشه از دستور کار دیوان خارج می‌کند، ولی در مورد قابلیت پذیرش دعوا این‌گونه نیست و مسئله قابلیت پذیرش ممکن است موجب ردّ دادخواست شود، اما در صورت رفع آن، مشکل دادخواست مجدداً می‌تواند در دیوان مطرح شود. به عبارت دیگر، عیب در صلاحیت در مورد آن اختلاف و با باقی ماندن همان شرایط زمان ارائه دادخواست، قابل علاج نیست. اما عیب در قابلیت پذیرش دعوا قابل علاج است.^{۱۷} سوءاستفاده از فرایند دادرسی اصولاً به این معناست که دیوان بین‌المللی دادگستری صلاحیت رسیدگی دارد، اما آن را اعمال نمی‌کند؛ چراکه از حق قانونی سوءاستفاده شده است. به عبارت دیگر، سوءاستفاده از فرایند دادرسی به نداشتن صلاحیت منجر نمی‌شود، بلکه مربوط به غیرقابل پذیرش بودن دعواست.^{۱۸}

۲. دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی در اسناد مؤسسی نهادهای حل‌وفصل اختلاف بین‌المللی

در اسناد مؤسس برخی از نهادهای حل‌وفصل اختلاف بین‌المللی مقرره‌ای در مورد دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی وجود دارد که اعمال این امر را در این نهادها به‌آسانی شناسایی می‌کند و می‌پذیرد. اما در تعدادی دیگر از اسناد مؤسس نهادهای حل‌وفصل اختلاف چنین مقرره‌ای دیده نمی‌شود و این درحالی است که این نهادها هم با اختلافاتی روبه‌رو هستند که موضوع دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی در آنها مطرح است و باید در خصوص آن تصمیم‌گیری کنند. در این شرایط خواهیم دید که نهادهای گروه دوم (فاقد مقرره صریح) هم این دکترین را در رسیدگی‌های خود اعمال می‌کنند. در این مورد می‌توان به‌صراحت به مرکز حل‌وفصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری ایکسپید اشاره نمود. اکنون در این قسمت به بررسی اسناد مؤسس نهادهای حل‌وفصل اختلاف در خصوص دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی خواهیم پرداخت و سپس به رویه نهادها در برخورد با این دکترین در پرونده‌های مطروحه نگاهی خواهیم داشت.

17. Eric De Brabandere, *Ibid*, p. 9-10.

18. Yuka Fukunaga, "Abuse of Process Under International Law and Investment Arbitration", *ICSID Review*, No. 33 (2018), p. 195-196.

۱.۲. دیوان بین‌المللی دادگستری

در برخی از نهادهای حل و فصل اختلاف بین‌المللی، نه در اساسنامه و نه در قواعد دادرسی، تصریحی به قابلیت اعمال دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی وجود ندارد. از جمله این نهادها می‌توان دیوان بین‌المللی دادگستری را نام برد که تنها نهاد قضایی سازمان ملل متحد است و در بسیاری از اختلافات بین‌المللی مرجع حل اختلاف بوده و هست، اما مقررۀ صریحی در خصوص سوءاستفاده از فرایند دادرسی ندارد؛ با وجود این در قابل اعمال بودن دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی در رسیدگی‌های دیوان بین‌المللی دادگستری اختلافی وجود ندارد و غیرقابل تردید است و «دیوان در بسیاری از قضایا به صراحت یا به‌طور ضمنی [دکترین] سوءاستفاده از جریان رسیدگی را مورد توجه قرار داده است»^{۱۹} و در عمل دیوان بین‌المللی دادگستری بارها در پرونده‌های مختلف به این موضوع رسیدگی کرده است. برای نمونه می‌توان اختلاف میان گامبیا و میانمار در قضیۀ اعمال کنوانسیون منع و مجازات جرم ژنوساید را نام برد که در ادامه بخش‌هایی از این پرونده بررسی می‌شود.

در این پرونده، دولت گامبیا به‌عنوان یک عضو از سازمان همکاری اسلامی در ۱۱ نوامبر ۲۰۱۹ دادخواست خود را در خصوص نقض کنوانسیون منع و مجازات جرم ژنوساید علیه دولت میانمار به دلیل اقدامات خشونت‌آمیزی که علیه مسلمانان کشور خود انجام می‌داد، به دیوان بین‌المللی دادگستری ارائه کرد و ضمن آن از دیوان تقاضای صدور دستور موقت نمود. دیوان در ۲۳ ژانویه ۲۰۲۰ تصمیم خود را درباره‌ی صدور دستور موقت اعلام و دستور موقت مورد درخواست گامبیا را صادر کرد.

میانمار اساساً به موضوع سمت گامبیا در دعوا ایراد وارد کرد و معتقد است گامبیا دولت غیر زیان‌دیده است و درحقیقت خواهان اصیل و واقعی این اختلاف، سازمان همکاری اسلامی است و نه دولت گامبیا. میانمار ادعا می‌کند که اگر قرار باشد دولتی در مورد موضوع مسلمانان روهینگیا علیه او طرح دعوا کند، آن دولت بنگلادش است که به‌واسطه‌ی سیل پناهندگان روهینگایی به سمت کشورش به این پرونده مرتبط می‌شود و می‌تواند سمت قابل قبولی برای ورود به این دعوا

۱۹. لایلا رضوی طوسی؛ سیدجمال سیفی و محسن محبی، «سوءاستفاده از جریان رسیدگی در داورهای سرمایه‌گذاری»، مطالعات حقوق عمومی، ش ۱، (۱۴۰۲)، ص ۲۷۴.



داشته باشد. ادعای میانمار این است که حتی اگر دیوان صلاحیت خود را هم احراز نماید، به واسطه غیرقابل پذیرش بودن دادخواست گامبیا نمی‌تواند آن را اعمال کند؛ زیرا در این پرونده، دادخواست خواهان (دولت گامبیا) در واقع از سوی نهادهای دیگر ارائه شده است که خود آن نهاد یعنی سازمان همکاری اسلامی ذاتاً نمی‌تواند به‌عنوان یک خواهان آغازگر یک دادرسی در دیوان بین‌المللی دادگستری باشد. از نظر میانمار، آغاز چنین دادرسی از سوی دولت گامبیا می‌تواند سوءاستفاده از فرایند دادرسی نام بگیرد؛ زیرا خواهان به‌طور صوری به‌دنبال نقض محدودیت‌های صلاحیتی دیوان است. میانمار همین‌طور معتقد است که مستقل از اصل سوءاستفاده از فرایند دادرسی، به سبب ملاحظات نزاکتی و تمامیت قضایی دیوان به‌عنوان یک نهاد که صلاحیت آن بر رضایت طرفین اختلاف تکیه دارد، دادخواست گامبیا غیرقابل پذیرش است.^{۲۰}

گامبیا وقوع هرگونه سوءاستفاده از فرایند دادرسی را از سوی خود رد کرده، ادعا دارد که نه‌تنها این رسیدگی‌ها را با قصدی نابجا آغاز نکرده، بلکه تلاش‌های او به‌خوبی از سوی جامعه بین‌المللی درک و دریافت شده است و این از استقبال دبیر کل و مجمع عمومی ملل متحد از صدور دستور موقت از جانب دیوان آشکار می‌شود.^{۲۱}

دیوان با توجه به نکات گفته‌شده از سوی طرفین اختلاف معتقد است که خواهان در این دادرسی‌ها گامبیا است؛ که دولت طرف اساسنامه دیوان و یک عضو کنوانسیون ژنوساید است و این، به دیوان صلاحیت موردنظر رسیدگی درباره اختلافات میان طرفین متعاهد در ارتباط با تفسیر، اعمال یا اجرای کنوانسیون را اعطا می‌کند. پس همان‌گونه که دیوان قبلاً اظهار کرده بود تنها در شرایط استثنایی است که یک دعوای بنیان‌یافته روی یک عنوان معتبر، صلاحیتی را بر اساس سوءاستفاده از فرایند دادرسی رد خواهد کرد.^{۲۲} اکنون در این پرونده دیوان هیچ دلیلی که به او نشان دهد رفتار گامبیا معادل سوءاستفاده از فرایند دادرسی است، مشاهده نمی‌کند و هیچ زمینه غیرقابل پذیرش بودن دیگری هم که دیوان را ملزم به رد اجرای صلاحیت خود بنماید در

20. Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, (the Gambia V. Myanmar) Preliminary Objections, Judgment of 22 July 2022, I.C.J., para 47.

21. *Ibid*, para 48

22. *Ibid*, para 49

رسیدگی حاضر تأیید نمی‌شود. در اینجا دیوان اولین ایراد مقدماتی میانمار را رد می‌کند.^{۲۳}

۲.۲. دیوان بین‌المللی حقوق دریاها

از مهم‌ترین اسناد مؤسس نهادهای حل‌وفصل اختلاف بین‌المللی که به قابلیت اعمال دکتین سوءاستفاده از فرایند دادرسی تصریح کرده است، می‌توان کنوانسیون ملل متحد حقوق دریاها ۱۹۸۲ را نام برد. کنوانسیون ملل متحد حقوق دریاها ۱۹۸۲ در ماده ۲۸۷ خود چند سازوکار حل‌وفصل اختلاف را که منجر به آرای الزام‌آور می‌شوند در اختیار دولت‌های عضو قرار داده است. طرح اختلاف در دیوان بین‌المللی حقوق دریاها، مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان داوری که بر اساس پیوست هفتم کنوانسیون تأسیس شده و دیوان داوری که مطابق پیوست هشتم کنوانسیون شکل گرفته است؛ سازوکارهای نامبرده در این ماده هستند. دولت‌ها در ارجاع اختلافات خود به هریک از این نهادها مختارند. دیوان بین‌المللی حقوق دریاها هم به‌موجب این کنوانسیون ایجاد شده است.

کنوانسیون در بند نخست ماده ۲۹۴ خود به اعمال دکتین سوءاستفاده از فرایند دادرسی در رسیدگی‌های گفته‌شده تصریح می‌کند و مقرر می‌دارد: «یک دادگاه مقرر در ماده ۲۸۷ که به آن در ارتباط با یک اختلاف مذکور در ماده ۲۹۷ تقاضا داده شده، به درخواست یک طرف یا با توجه به قصد و نیت طرف ذی‌نفع می‌تواند مشخص نماید که آیا طرح دعوی سوءاستفاده از جریان حقوقی است یا اینکه ظاهراً به‌نظر می‌رسد دارای اساس باشد. اگر دادگاه تشخیص دهد که دعوی سوءاستفاده از فرایند قضایی است یا در وهله اول بی‌اساس به‌نظر برسد، اقدام دیگری در مورد دعوا به‌عمل نخواهد آورد».

هرچند که کنوانسیون حقوق دریاها بهره‌مند از چنین مقرره صریحی است، اما با این حال درباره اینکه چه چیزی را سوءاستفاده از فرایند دادرسی می‌داند و معیارهای احراز این موضوع کدام‌اند، تصریحی ندارد. شاید همین سبب می‌شود که دیوان بین‌المللی حقوق دریاها با وجود داشتن چنین مقرره صریحی، در اعمال دکتین سوءاستفاده از فرایند دادرسی بسیار با احتیاط عمل کند تا به حق دولت‌ها برای اقامه دعوا آسیبی وارد نکند.



از جمله اختلافاتی که بر مبنای کنوانسیون بین‌المللی حقوق دریاها رسیدگی شده و در آنها ادعای سوءاستفاده از فرایند دادرسی به چشم می‌خورد، اختلاف دریای چین جنوبی است که در دیوان دائمی داوری از سوی فیلیپین در سال ۲۰۱۳ علیه چین آغاز شد. یکی دیگر از پرونده‌هایی که در دیوان بین‌المللی حقوق دریاها مطرح بوده و ایراد سوءاستفاده از فرایند دادرسی در آن بیان شده، اختلاف مربوط به تعیین حدود مرز دریایی بین موریس و مالدیو در اقیانوس هند است که بخش‌هایی از آن بررسی می‌شود.

موریس با ارائه دادخواستی به دیوان بین‌المللی حقوق دریاها در ۱۸ ژوئن ۲۰۱۹ رسیدگی‌هایی را علیه مالدیو در شعبه ویژه دیوان بین‌المللی حقوق دریاها در مورد تعیین حدود مرزی دریایی بین خود و مالدیو در اقیانوس هند آغاز کرد. مالدیو در پاسخ به دادخواست موریس ایرادات مقدماتی را بیان نمود و ایراد مقدماتی پنجم مالدیو مربوط به سوءاستفاده از فرایند دادرسی از رسیدگی‌های دیوان بوده است.

مالدیو اظهار داشت که دعاوی موریس غیرقابل پذیرش بوده، چراکه معادل سوءاستفاده از فرایندهای دادرسی است^{۲۴}

استدلال مالدیو این است که موریس با شکست در داوری منطقه حفاظت‌شده دریایی چاگوس علیه انگلیس و کسب یک رأی داوری علیه این کشور، حالا در تلاش است تا نتیجه دلخواه خود را با آغاز رسیدگی‌های دیوان بین‌المللی حقوق دریاها علیه مالدیو کسب کند؛ درحالی که دولت مالدیو یک دولت ثالث نسبت به اختلاف حاکمیتی دوجانبه میان موریس و انگلیس است. مالدیو معتقد است سوءاستفاده از فرایند دادرسی چیزی جز «استفاده از دادرسی‌ها برای هدفی بیگانه با آنچه که حقوق دادرسی برای رسیدن به آن اعطا شده‌اند» نیست. بر این اساس، استفاده موریس از رسیدگی‌های دیوان بین‌المللی حقوق دریاها برای گرفتن یک رأی درباره اختلافات سرزمینی با یک دولت ثالث (مالدیو)، تعریف واقعی از سوءاستفاده از فرایند دادرسی است.^{۲۵}

24. Dispute Concerning Delimitation of the Maritime Boundary between Mauritius and Maldives in the Indian Ocean (Mauritius v. Maldives) Preliminary Objections, Judgment of 28 January 2021, ITLOS, No 28, Para 337.

25. *Ibid*, Para 339

موریس اظهار می‌کند رویه و سوابق دیوان بین‌المللی دادگستری ممکن است شامل مثال‌هایی از توسل دولت‌ها به ادعای سوءاستفاده از فرایند دادرسی باشد، اما این نکته را هم نباید از نظر دور داشت که دیوان تاکنون شرایط را برای اعمال این اصل احراز نکرده و به اعمال آن تن نداده است.^{۲۶}

موریس می‌گوید که با آغاز این رسیدگی‌ها در جست‌وجوی یک رأی در خصوص حاکمیت بر مجمع‌الجزایر چاگوس همچون رأیی که قبلاً از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری صادر شده بود، نیست، چون هیچ شباهتی میان جبران خسارت خواسته‌شده و یا موضوعات مطلوب در داوری ام‌پی‌ای چاگوس و موضوعاتی که در این رسیدگی‌ها مطرح شده‌اند وجود ندارد. همچنین این دو رسیدگی بر مجموعه وقایع مشابه هم سازمان نیافته‌اند و طرفین رسیدگی‌ها هم یکسان نیستند و وظیفه این رسیدگی‌ها تنها تعیین حدود مرزی میان موریس و مالدیو است.^{۲۷} موریس در مورد ادعای مطرح‌شده از سوی مالدیو که بیان می‌دارد دولت انگلیس نسبت به رسیدگی‌های حاضر یک دولت ثالث جدایی‌ناپذیر است می‌گوید که دولت مالدیو با این ادعا در نقض نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص چاگوس و قطعنامه مجمع عمومی به شماره ۷۳/۲۹۵ عمل کرده است.^{۲۸}

دیوان بین‌المللی حقوق دریاها در ۲۸ ژانویه ۲۰۲۱ رأی خود را درباره ایرادات مقدماتی در این پرونده صادر کرد و نتیجه گرفت که یک اختلاف میان طرفین در زمان ارسال اطلاعاتیه وجود داشته است.^{۲۹} دیوان معتقد است که مطابق مواد ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون حقوق دریاها، اگر طرفین به هیچ توافقی طی یک دوره زمانی معقول دست پیدا نکنند باید به رسیدگی‌های مقررشده در بخش ۱۵ کنوانسیون متوسل شوند و موریس با ارسال اطلاعاتیه در ۱۸ ژوئن ۲۰۱۹ به این رسیدگی‌ها متوسل شده است.^{۳۰} پس دیوان در پاسخ به درخواست موریس در مورد تعیین حدود مرزی دریایی بین موریس و مالدیو در اقیانوس هند و منطقه انحصاری و اقتصادی و فلات قاره مطابق اصول و قواعد مندرج در کنوانسیون حقوق دریاها و تعیین سهم فلات قاره موریس و

26. *Ibid*, Paras 340- 341

27. *Ibid*, Para 343

28. *Ibid*, Para 344

29. *Ibid*, Para 345

30. *Ibid*, Paras 346-347



همین‌طور اعلام نقض تعهد مالدیو مطابق مواد ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون، اعلام می‌دارد که دعوای مورس را شکل‌دهنده سوءاستفاده از فرایند دادرسی نمی‌داند و پنجمین ایراد مقدماتی مالدیو را رد می‌کند.^{۳۱}

این نگاه کوتاه آشکار کرد که ایراد سوءاستفاده از فرایند دادرسی در این نهاد همچون بسیاری دیگر از نهادهای حل‌وفصل اختلاف بین‌المللی، یک ایراد به قابلیت پذیرش دعوا دانسته می‌شود و دولت‌های طرف اختلاف در تلاش برای اثبات ادعاهای خود در مورد این ایراد در دیوان حقوق دریاهای به رویه و رویکرد دیوان بین‌المللی دادگستری به‌خصوص در پرونده اختلاف میان گینه استوایی و فرانسه و رأی سال ۲۰۱۸ دیوان بین‌المللی دادگستری بسیار استناد می‌کنند که قابل توجه است.

۳.۲. دیوان اروپایی حقوق بشر

یکی از جالب توجه‌ترین نهادها در موضوع مواجهه با دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی، دیوان اروپایی حقوق بشر است. این دیوان برای تضمین رعایت تعهدات از سوی طرفین متعاقد در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تأسیس شد و به این شکل برای نخستین بار یک مرجع قضایی ویژه برای رسیدگی به شکایت افراد از نقض حقوق بشر ایجاد گردید. به عبارت دیگر، حقوقی که در کنوانسیون تضمین شده است از قبیل حق حیات، امنیت و آزادی بیان، اگر از سوی دولت متعاقد کنوانسیون نقض شود، افراد می‌توانند شکایت خود را در این خصوص تقدیم دیوان کنند و در مورد این شکایت‌ها موضوع سوءاستفاده می‌تواند مطرح باشد. دیوان به کامل‌ترین وجهی تلاش نموده است تا به موضوع سوءاستفاده از فرایند دادرسی بپردازد؛ علاوه بر آنکه در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به قابلیت اعمال این دکترین در فرایند رسیدگی دیوان تصریح شده است، در راهنمای عملی معیارهای قابلیت پذیرش^{۳۲} سعی شده که برای سوءاستفاده تعریفی ارائه شود و حتی دسته‌بندی از پرونده‌های مطروحه در دیوان که در آنها موضوع سوءاستفاده از فرایند دادرسی مطرح و مورد ادعا بوده، انجام شده است که خود به‌نوعی می‌تواند بیانگر معیارها و روش‌های شکل‌دهنده سوءاستفاده از فرایند دادرسی از نقطه نظر و دیدگاه این نهاد باشد. البته

31. *Ibid*, Paras 348-350, 354

32. ECHR, "Practical Guide on Admissibility Criteria", Updated on 31 August 2022

این موضوع نباید فراموش شود که این راهنما برای دیوان الزام‌آور نبوده، همان‌طور که از نام آن پیداست، تنها جنبه راهنمایی و روشنگری دارد. با این اوصاف، باز هم این نهاد از محدود نهادهای حل‌وفصل اختلاف در حقوق بین‌الملل است که علاوه بر تصریح به قابلیت اعمال دکترین موردبحث، به موضوع معیارهای این اعمال هم توجه نموده و چون در کنوانسیون سخن از حقوق بشر و حمایت از آن است، معیارهای برشمرده‌شده برای سوءاستفاده از فرایندهای رسیدگی دیوان هم بر این مبنا تعیین شده‌اند و حول این محور هستند. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در بخش دوم خود از دیوان و موضوعات مربوط به آن صحبت می‌کند. ماده ۳۳ کنوانسیون از پرونده‌های بین دولت‌ها سخن می‌گوید: «هریک از دولت‌های متعاقد می‌تواند هرگونه نقض ادعایی مفاد کنوانسیون و پروتکل‌های ملحق به آن را در خصوص طرف دیگر متعاقد به دیوان ارجاع دهد». همین‌طور ماده ۳۴ از دادخواست‌های فردی در دیوان صحبت می‌کند. بر این اساس «هر شخص، سازمان غیردولتی یا گروهی از افراد که مدعی هستند قربانی نقض حقوق مندرج در کنوانسیون و پروتکل‌های منضم به آن توسط یکی از طرف‌های متعاقد کنوانسیون شده‌اند»، می‌توانند در دیوان طرح دعوا کرده، دادخواست فردی به دیوان ارائه نمایند. در خصوص این دادخواست‌های شخصی، کنوانسیون در ماده ۳۵ خود بیان می‌کند دیوان می‌بایست هر دادخواست فردی را غیرقابل پذیرش اعلام نماید. اگر که «دادخواست مغایر با مفاد کنوانسیون یا پروتکل‌های ملحق به آن، آشکارا بی‌اساس یا سوءاستفاده از حق دادخواست فردی باشد»، با توجه به مطالب گفته‌شده بر چند مسئله تأکید می‌شود: اول آنکه در دیوان اروپایی حقوق بشر همچون بسیاری از نهادهای حل‌وفصل اختلاف بین‌المللی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری، دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی ایرادی به قابلیت پذیرش دعوا ارزیابی می‌شود و یک ایراد صلاحیتی نیست. نکته دوم اینکه کنوانسیون موضوع سوءاستفاده از فرایند دادرسی یا با عبارات خود کنوانسیون، سوءاستفاده از حق دادخواست را تنها در مورد دادخواست‌های فردی به رسمیت شناخته و مورد پذیرش قرار داده است و این تصریح را در مورد رسیدگی‌های بین دولت‌ها به کار نبرده که قابل تأمل است. نکته پایانی هم چنین است که در مورد بررسی و ارزیابی موضوع سوءاستفاده از فرایند دادرسی، اگر دولت خوانده اطلاع یابد که خواهان از حق دادخواست سوءاستفاده نموده است، باید

به دیوان اطلاع دهد. ولی اگر خواننده هم چنین کاری انجام ندهد، دیوان خود می‌تواند رأساً به موضوع سوءاستفاده بپردازد و آن را بررسی کند.^{۳۳}

در راهنمای عملی معیارهای قابلیت پذیرش دعوا، سوءاستفاده از منظر دیوان اروپایی حقوق بشر اجرای زیان‌رسان یک حق است، به نحوی که برای رسیدن به اهدافی غیر از آنچه که برای آن طراحی شده است به کار برود. پس هر رفتار خواهان که آشکارا مغایر با هدف حق دادخواست فردی به نحوی که در کنوانسیون مقرر شده است باشد و از عملکرد مناسب دیوان یا مدیریت مناسب رسیدگی‌ها ممانعت کند، سوءاستفاده از حق دادخواست را شکل می‌دهد. این نکته‌ای است که در بسیاری از پرونده‌های مطروحه در این نهاد بیان شده است.^{۳۴} در این نهاد هم مانند بسیاری دیگر از نهادهای حل‌وفصل اختلاف بین‌المللی بر این نکته تأکید می‌شود که ردّ دادخواست براساس سوءاستفاده از حق دادخواست یک اقدام استثنایی است.^{۳۵} این نهاد پرونده‌های خود را در خصوص سوءاستفاده از حق دادخواست در چند گروه طبقه‌بندی می‌کند که عبارت‌اند از: ارائه اطلاعات گمراه‌کننده؛ کاربرد ادبیات اهانت‌آمیز؛ نقض تعهد به حفظ محرمانگی رسیدگی‌های حل‌وفصل دوستانه، آشکارا آزاردهنده یا تهی از هدف واقعی دادخواست و پرونده‌های دیگری که نمی‌توانند به‌طور کامل لیست شوند.^{۳۶} این دسته‌بندی همان‌گونه که گفته شد، خود می‌تواند بیانگر معیارهای سوءاستفاده از فرایند دادرسی در دیوان باشد که در ادامه هر کدام از آنها بررسی می‌شوند.

۱.۳.۲. معیار گمراه‌کنندگی

در این معیار گفته می‌شود، اگر دادخواستی بر اساس وقایع خلاف واقع و نادرست با دید و قصد فریب دیوان طرح شود، سوءاستفاده از حق دادخواست است.^{۳۷} از مهم‌ترین مثال‌ها برای این ترند، ارائه دادخواستی با هویت غلط دادخواست‌دهنده و یا مثال دیگر تحریف اسناد ارسالی به دیوان است.^{۳۸} برای نمونه در پرونده‌ای خواهان، مقامات داخلی یک کشور و همچنین دیوان

33. *Ibid*, Paras 215 & 216

34. *Ibid*, Para 195

35. *Ibid*, Para 195

36. *S.A.S. v. France* [GC], App no.43835/11, ECHR, Judgment, 1 July 2014, Para 67.

37. *Varbanov v. Bulgaria*, App no.31365/96, ECHR, Judgment, 5 October 2000, Para 36.

38. *Ibid* (n 25), Para 197

اروپایی را دربارهٔ تابعیت خود فریب داده بود^{۳۹} و یا در پرونده‌ای دیگر، خواهان در دیوان ادعا و اظهاراتی داشت که با اظهاراتش در دادگاه و دادرسی‌های داخلی مغایر بود و دیوان این نکته را سوءاستفاده از حق دادخواست ارزیابی کرد^{۴۰}. این نوع سوءاستفاده با ترک فعل هم ممکن است اتفاق بیفتد؛ مثلاً اگر خواهان در ارائهٔ اطلاعاتی که برای بررسی و ارزیابی پرونده از سوی دیوان اساسی هستند قصور نماید، می‌تواند یک سوءاستفاده از حق دادخواست اتفاق بیفتد. این اطلاعات باید مربوط به هستهٔ اصلی پرونده باشد تا دیوان بتواند چنین ترک فعلی را سوءاستفاده از حق دادخواست فردی ارزیابی کند^{۴۱}. خواهان در برابر رفتار وکیل و یا هر نمایندهٔ دیگر خود در مقابل دیوان مسئول است؛ چراکه هر ترک فعل نماینده‌اش به او منتسب می‌شود و در این حالت ممکن است منجر به رد دادخواست بر اساس سوءاستفاده از حق دادخواست شود^{۴۲}. دیوان تأکید دارد که قصد گمراه کردن این نهاد از سوی خواهان باید با قطعیت کافی به دیوان اثبات شود^{۴۳}. حتی در جایی که رأی دیوان دربارهٔ ماهیت قطعی شده باشد و متعاقب آن فاش شود که خواهان واقعیتی را در خصوص ارزیابی پرونده پنهان کرده است، در این حالت دیوان قادر خواهد بود که رأی خود را دوباره با استفاده از ابزارهای تجدیدنظر بر اساس قاعدهٔ ۸۰ از قواعد دادرسی دیوان بررسی کند و ممکن است دادخواست را براساس سوءاستفاده از حق دادخواست رد نماید. این تجدیدنظر تنها زمانی ممکن است که دولت خوانده نتوانسته باشد در زمان رسیدگی‌ها به‌طور معقول از واقعیت موردبحث آگاه شود و درخواست خود را برای تجدیدنظر ظرف مدت شش ماه از زمان کسب آگاهی از واقعیت، مطابق قاعدهٔ ۸۰ از قواعد دیوان ارائه کند.

۲.۳.۲. معیار ادبیات اهانت‌آمیز

اگر خواهان زبانی آزاردهنده، توهین‌آمیز، تهدیدآمیز یا تحریک‌کننده علیه دولت خوانده یا نمایندگان یا مقامات دولت خوانده یا حتی خود دیوان، قضات و یا سایر اعضای آن به‌کار ببرد، دادخواست او به سبب سوءاستفاده از حق دادخواست فردی رد خواهد شد^{۴۴}. همین‌طور اگر

39. *Bencheref v. Sweden*, App no. 9602/15, ECHR, Decision, 5 December 2017, Para 39.

40. *Povilonis v. Lithuania*, App no.81624/17, ECHR, Decision, 7 December 2021 and 15 March 2022, Paras 92-101.

41. *Ibid* (n 25), Para 198

42. *Ibid*, Para 200

43. *Melnik v. Ukraine*, App no.72286/01, ECHR, Judgment, 28 March 2006, Paras 58-60, S.L. and J.L. v. Croatia, App no.13712/11, ECHR, Judgment, Merits, 7 May 2015, Paras 48-49.

44. *Ibid* (n 25), Para 203

خواهان اظهاراتی توهین‌آمیز درباره دیوان و قضات آن خارج از بستر و فضای دادرسی‌ها منتشر کند و به انجام چنین کاری حتی بعد از هشدار رسمی دیوان ادامه دهد، همین رویه اعمال خواهد شد.^{۴۵} اینکه زبان خواهان صرفاً نیش‌دار، مجادله‌آطعنه باشد، کفایت نمی‌کند بلکه باید فراتر از «محدودیت‌های عادی انتقاد مدنی و مشروع» باشد تا مشمول عنوان سوءاستفاده از حق دادخواست شود.^{۴۶} اگر خواهانی در طول رسیدگی‌ها اظهارات توهین‌آمیز خود را بعد از هشدار رسمی دیوان متوقف کند و آن اظهارات را وارونه سازد یا حتی عذرخواهی کند، دادخواست او دیگر به سبب سوءاستفاده رد نمی‌شود.^{۴۷}

۳.۳.۲. معیار نقض تکلیف محرمانگی

نقض عامدانه خواهان از تکلیف محرمانگی مذاکرات حل‌وفصل دوستانه که مطابق بند ۲ ماده ۳۹ کنوانسیون و بند ۲ قاعده ۶۲ از قواعد دادرسی دیوان به طرفین اختلاف تحمیل شده است می‌تواند منجر به احراز سوءاستفاده از حق دادخواست و رد آن شود.^{۴۸} برای تشخیص اینکه چنین تکلیفی نقض شده است یا نه، باید حدود این تکلیف تعیین شود. این تکلیف باید در سایه هدف اصلی آن، یعنی تسهیل حل‌وفصل دوستانه با حمایت از طرفین آن در مقابل فشارهای ممکن تفسیر شود. ممنوعیت قطعی و مطلق درباره گفت‌وگو یا نشان دادن اسناد مربوط به این رسیدگی‌ها به طرف ثالث وجود ندارد؛ چراکه این چنین ممنوعیتی منافع مشروع خواهان را در خطر قرار می‌دهد و برای دیوان اگر غیرممکن نباشد، بسیار دشوار خواهد بود که با چنین دقت و سختگیری خواهان و رفتارهایش را رصد کند. آنچه در بند ۲ ماده ۳۹ کنوانسیون و بند ۲ قاعده ۶۲ دیوان منع شده، انتشار اطلاعات برای مثال از طریق رسانه یا هر روش دیگری است؛ به نحوی که تعداد زیادی از مردم آن را دیده و خوانده باشند.^{۴۹} افشای اطلاعات محرمانه باید عامدانه صورت بگیرد و مسئولیت خواهان در خصوص افشا باید با قطعیت و یقین کافی اثبات شود و ظن صرف کافی نیست.

45. Zhdanov v. Russia, Apps nos.12200/08, 35949/11, 58282/12, ECHR, Judgment, 16 July 2019, Paras 82-86.

46. *Ibid* (n 25), Para 204

47. Cherintyn v. Russia, App no. 5964/02, ECHR, Decision, 8 July 2004, Paras 25-28.

48. *Ibid* (n 25), Para 205

49. Matasaru v. the Republic of Moldova, App no. 44143/08, ECHR, Decision, 21 January 2020, Paras 36-39.

۴.۳.۲. معیار آشکارا آزاردهنده یا تهی از هدف واقعی در دادخواست

اگر خواهانی به طور مکرر اقدام به ارائه دادخواست آزاردهنده و آشکارا بی اساس به دیوان نماید که مشابه باشد با دادخواستی که در گذشته تسلیم دیوان کرده و غیرقابل پذیرش اعلام شده است، در این حالت، این خواهان مرتکب سوءاستفاده از حق دادخواست خواهد شد.^{۵۰} این وظیفه دیوان نیست که به سلسله شکایات بی اساس بپردازد و خواهان یا نماینده اش در صورتی که کار بی علت و بی جایی برای دیوان ایجاد کنند که ناسازگار با کارکرد واقعی دیوان مطابق کنوانسیون باشد، این عمل سوءاستفاده از حق دادخواست ارزیابی می شود.^{۵۱} همچنین اگر دادخواستی به وضوح تهی از هدف بوده، منفعت مشروعی به خواهان نرساند، می تواند سوءاستفاده از حق دادخواست تلقی شود.

گاهی آرای دیوان و پرونده های مطروحه در آن که هنوز در دست رسیدگی هستند برای اهدافی چون سخنرانی های سیاسی در سطح ملی دولت های متعاقد به کار برده شده اند. دادخواست ابزاری برای پروپاگاندا نیست و انجام چنین اعمالی تنها یک دلیل برای احراز سوءاستفاده از حق دادخواست در پرونده می شود.^{۵۲} پس اگر خواهان به دلیل منافع سیاسی با مطبوعات یا تلویزیون مصاحبه کند و اطلاعات غلطی بدهد یا نگرش غیرمسئولانه یا بیهوده خود را منتشر نماید، همگی اینها می تواند به احراز سوءاستفاده از حق دادخواست منجر شود.

اصولاً در مواجهه دیوان اروپایی حقوق بشر با دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی، این نکته قابل توجه است که نه تنها وارد آمدن آسیب به خواننده را در نظر گرفته، بلکه آسیب به هدف و عملکرد قضایی دیوان را هم به عنوان معیار سوءاستفاده مورد توجه قرار داده است. اما با وجود همه دقت و نکته بینی که در مورد سوءاستفاده از فرایند دادرسی و احراز آن در رسیدگی های خود در مقایسه با سایر نهاد های حل و فصل اختلاف بین المللی داشته است، در این نهاد همچون سایر نهادها رویکردی احتیاط آمیز در برخورد با سوءاستفاده از فرایند دادرسی وجود دارد؛^{۵۳} به طوری که

50. *Ibid* (n 25), Para 210

51. *Bekauri v. Georgia*, App no.14102/02, ECHR, Judgment, Preliminary Objections, 10 April 1012, Para 21.

52. *Khadzhaliyev and Others v. Russia*, App no.31013/04, ECHR, Judgment, 6 November 2008, Para 66-67.

53. Marie Lemey, "Incidental Proceedings Before the International Court of Justice: The Fine Line between Litigation Strategy and Abuse of Process", the Law and Practice of International Courts and Tribunals, No. 20 (2021), p. 26.

به‌ندرت دادخواستی را بر اساس سوءاستفاده رد کرده است. به‌نظر می‌رسد این نهاد وجود یک فاکتور را برای سوءاستفاده به‌تنهایی کافی نمی‌داند و برای ردّ دادخواست بر اساس سوءاستفاده به‌دنبال احراز چند معیار است تا نهایتاً احتیاط را در برخورد با دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی به‌کار برده باشد و از همین رو تأکید دارد تلاش برای گمراه کردن دیوان باید با قطعیت کافی اثبات شود.^{۵۴}

۴.۲. کمیته حقوق بشر ملل متحد

کمیته حقوق بشر یک نهاد شبه قضایی محسوب می‌شود که بر اساس پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ایجاد شده است. پروتکل در مادهٔ اول خود از صلاحیت کمیته حقوق بشر برای رسیدگی به شکایات افراد علیه دولت‌هایشان صحبت می‌کند. مطابق این ماده، دولت‌های عضو میثاق که عضو پروتکل هم هستند «صلاحیت کمیته حقوق بشر را برای دریافت و رسیدگی به شکایات افراد تحت صلاحیت خود که مدعی هستند قربانی نقض هریک از حقوق یادشده در میثاق از طرف آن کشور شده‌اند، به‌رسمیت می‌شناسد». سپس در مادهٔ دوم پروتکل شرایط پذیرش این شکایت‌ها بیان می‌شود. این شرایط عبارت‌اند از اینکه: دولت آنها عضو میثاق حقوق مدنی و سیاسی و پروتکل اختیاری باشد؛ مدعی نقض حقوق مقرر در میثاق، تمامی شیوه‌های شکایت موجود بر اساس قوانین داخلی را طی کرده باشد؛ شکایت کتبی و دارای نام باشد؛ طرح شکایت برای سوءاستفاده یا مغایر با مقررات میثاق نباشد؛ موضوع شکایت از جانب یک فرایند و سیستم بین‌المللی دیگر مورد بررسی یا حل‌وفصل قرار نگرفته باشد. پس این پروتکل توجه به سوءاستفاده از فرایند دادرسی را در رسیدگی‌های خود به‌رسمیت شناخته است؛ بر این اساس، کمیته باید از بررسی مکاتبات شکل‌دهنده «سوءاستفاده» خودداری کند، حتی اگر آن مکاتبه در حدود و قلمرو صلاحیت دیوان قرار بگیرد. اما مقرر به‌طور صریح ذکر نکرده که در کدام شرایط یک مکاتبه شامل سوءاستفاده می‌شود. در این مورد با اشاره به تاریخچهٔ پیش‌نویس، گفته شده است موضوع سوءاستفاده در واکنش به «تأخیر غیرمعقول» در ارائهٔ مکاتبه به‌ثبت‌رسیده است و چنین تأخیری سوءاستفاده عنوان می‌شود.^{۵۵} البته کمیته در بررسی‌های خود تأخیرهای طولانی‌مدت را هم تحت عنوان سوءاستفاده احراز نکرده، از طرف دیگر در توسل به

54. S.L. and J.L. v. Croatia, App no. 13712/11, ECHR, Judgment, Merits, 7 May 2015, Para 48.

55. Yuka Fukunaga, *Ibid*, p. 189-190.

این کمیته درباره موضوعاتی غیر از تأخیر هم ادعای سوءاستفاده مطرح شده که کمیته آنها را رد کرده است. مثلاً ارائه اطلاعات گمراه‌کننده که مورد پذیرش قرار نگرفت. ماده سوم پروتکل، چگونگی رسیدگی به این شکایات را توضیح می‌دهد و بیان می‌کند که «موضوع به اطلاع کشور معاهد طرف پروتکل رسانده می‌شود. کشور دریافت‌کننده شکایت باید ظرف شش ماه توضیحات یا اظهارات روشن‌کننده و تدابیری را که برای جبران وضعیت پیش‌آمده ممکن است اتخاذ کرده باشد، کتباً به کمیته تقدیم نماید. کمیته هم بر اساس تمامی اطلاعات رسیده از طرف شاکی و کشور ذی‌نفع در جلساتی غیرعلنی به موضوع رسیدگی می‌کند و نظر خود را به اطلاع شاکی و کشور عضو پروتکل می‌رساند». در رویه این کمیته، دولت‌ها همیشه به تعهدات خود در پاسخ دادن به مکاتبات با کمیته عمل نمی‌کنند و یا پاسخ‌های ناکامل ارائه می‌دهند؛ در این موقعیت هم، کمیته به موضوع رسیدگی می‌کند و اگر از سایر شرایط هم قانع شود که ادعاهای درج‌شده در شکایت صحیح است، نظر خود را بیان می‌کند.^{۵۶}

نتیجه

اصل حسن‌نیت در عرصه حقوق بین‌الملل چه در زمان طرح دعوا و چه در زمان دفاع در برابر یک دعوا دارای اهمیت است. دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی یک موضوع مهم است که روز به روز در حقوق بین‌الملل گسترش پیدا کرده و بر مبنای اصل حسن‌نیت و دکترین سوءاستفاده از حق بنیان یافته است. در واقع، ارزش و تأثیر قصد و اراده و موازین ذهنی در موضوع دکترین سوءاستفاده از فرایند دادرسی امری انکارناپذیر است و یکی از مواردی که احراز این دکترین را دشوار می‌سازد، نقش اراده و انگیزه‌های ذهنی در شکل‌گیری آن است. اما این دکترین نیاز دارد که مورد تبیین و توضیح قرار گیرد تا مسیر طرفین اختلاف در نهادهای حل‌وفصل اختلاف که قصد توسل به این ایراد و ادعا را دارند روشن باشد. بر این اساس یکی از راه‌ها برای شناخت و تبیین این مفهوم، بررسی مقررات و رویه نهادهای حل‌وفصل اختلاف است که با آن روبه‌رو هستند و به آن پرداخته‌اند. در این خصوص نگارندگان این نوشتار به نهادهایی که تصریح به قابلیت اعمال این دکترین در رسیدگی‌های خود داشته‌اند و دیوان بین‌المللی دادگستری که صراحتی در این باره نداشته است، پرداخته‌اند. دیوان اروپایی حقوق بشر بیش از

56. Human Rights Committee, "General Comment No. 33", Ninety-Forth Session, (Geneva 2008)

سایر نهادهای حل و فصل اختلاف بین‌المللی در موضوع سوءاستفاده از فرایند دادرسی، معیارهایی ارائه کرده است. این دیوان در موضوع سوءاستفاده از فرایند دادرسی بیشتر از سایرین به جنبه‌های ذهنی و نقش معیارهای ذهنی و اراده در احراز مصادیق این دکترین توجه کرده است و می‌تواند الگویی برای سایر نهادهای حل و فصل اختلاف باشد تا آنان نیز در جهت تعریف سوءاستفاده در رسیدگی‌های خود و موضوعاتی از قبیل معیارها و شرایط احراز و اثبات این‌چنین سوءاستفاده‌ای گام بردارند. انجام این کار می‌تواند احتمال و امکان طرح ادعاهای واهی در خصوص این دکترین را از سوی طرفین اختلاف در نهادهای حل و فصل اختلاف کاهش دهد.



منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- مقالات

۱. الهویی نظری، حمید و محمدی، عقیل (۱۳۹۴). تحلیل ابعاد اصل حسن نیت در حقوق بین الملل در پرتو رویه قضایی. *حقوقی بین المللی*، ۳۲ (۵۳)، ۹۹-۱۲۶.
Doi: 10.22066/CILAMAG.2016.18535
۲. برزگرزاده، عباس (۱۴۰۰). اعمال ماده ۷۹ آیین نامه دیوان بین المللی دادگستری در رویه قضایی. *پژوهش های حقوقی*، ۲۰ (۴۸)، ۵۹-۸۸.
Doi: 10.48300/jlr.2021.266126.1568
۳. کدخدایی، عباسعلی و محمدی، محمدرضا (۱۴۰۲). سوءاستفاده از حق و فرایند در پرتو رویه دیوان بین المللی دادگستری. *حقوق عمومی*، (۴)، ۱-۳۲.
Doi: 10.22054/qjpl.2024.73433.2899
۴. اکرمی، زهرا؛ حاتمی، علی اصغر؛ پاشازاده، حسن (۱۴۰۲). موانع و حیل های دادرسی در اجرای ارادی محکومیت های مالی با تاکید بر نظریه سوءاستفاده از حق و رویه قضایی. *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۱۴ (۳۲)، ۳۳-۶۳.
Doi: 10.22034/law.2023.50976.3117
۵. رضوی طوسی، لیلا؛ سیفی، سید جمال و محبی، محسن (۱۴۰۲). سوءاستفاده از جریان رسیدگی در داورهای سرمایه گذاری. *مطالعات حقوق عمومی*، ۵۳ (۱)، ۲۶۷-۲۸۶.
Doi: 10.22059/jpls.2021.319898.2713

ب) منابع انگلیسی

- Articles

6. Brabandere, E. D. (2012). Good Faith, Abuse of Process and the Initiation of Investment Treaty Claims. *International Dispute Settlement*, 3, 609-636. Doi:10.1093/jnlids/ids008
7. Branson, J. D. (2021). The Abuse of Process Doctrine Extended: a Tool for Right Thinking People in International Arbitration. *International Arbitration*. 38, 187-214. Doi:10.54648/joia2021011

8. Fukunaga, Y. (2018). Abuse of Process under International Law and Investment Arbitration. *ICSID Review*, 33, 181-211.
Doi:10.1093/icsidreview/six032
9. Kolb, R. (2006). General Principles of Procedural Law. **Oxford: Oxford University Press**, 871-908.
10. Lemey, M. (2021). Incidental Proceedings Before the International Court of Justice: The Fine Line between Litigation Strategy and Abuse of Process. *The Law and Practice of International Courts and Tribunals*. 20, 5-29. Doi:10.1163/15718034-12341437

- Documents

11. ECHR, (2022). Practical Guide on Admissibility Criteria. Paras 195, 197- 198, 200, 203- 205, 210, 215- 216
12. Human Rights Committee, (2008). General Comment No. 33. Ninety-Forth Session, Geneva.

- Cases

13. Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, (the Gambia V. Myanmar) Preliminary Objections, (2022), Judgment, I.C.J, Paras 47-49, 113.
14. Bekauri v. Georgia, (2012). App no.14102/02, ECHR, Judgment, Preliminary Objections, Para 21.
15. Bencheref v. Sweden, (2017). App no. 9602/15, ECHR, Decision, Para 39.
16. Cherintsyn v. Russia, (2004). App no. 5964/02, ECHR, Decision, Paras 25-28.
17. Dispute Concerning Delimitation of the Maritime Boundary between Mauritius and Maldives in the Indian Ocean (Mauritius v. Maldives) Preliminary Objections, (2021). Judgment ITLOS, No 28, Paras 337-350, 354.
18. Immunities and Criminal Proceedings (Equatorial Guinea v. France) Preliminary Objections, (2018). Judgment I.C.J, Paras 146, 151.
19. Khadzhiyev and Others v. Russia, (2008). App no.31013/04, ECHR, Judgment, Para 66-67.

20. Matasaru v. the Republic of Moldova, (2020). App no. 44143/08, ECHR, Decision, Paras 36-39.
21. Melnik v. Ukraine,(2006). App no.72286/01, ECHR, Judgment, Paras 58-60.
22. Povilonis v. Lithuania, (2022). App no.81624/17, ECHR, Decision, Paras 92-101.
23. S.A.S. v. France [GC], (2014). App no.43835/11, ECHR, Judgment, Para 67.
24. S.L. and J.L. v. Croatia, (2015). App no.13712/11, ECHR, Judgment,
25. Varbanov v. Bulgaria, (2000). App no.31365/96, ECHR, Judgment, Para 36.
26. Zhdanov v. Russia, (2019). Apps nos.12200/08, 35949/11, 58282/12, ECHR, Judgment, Paras 82- 86.